


# بحر الفاظ

میرزا صادق ناطق اصفہانی

بہ کوشش: علی رضا نیک نژاد | محمد بیاتی چالشری | 

به نام خداوند جان و خرد

بحر الفاظ	:	سرشناسه
بحر الفاظ: (فرهنگ ماده تاریخ) / تألیف میرزا صادق ناطق اصفهانی؛ به کوشش علیرضا نیک‌نژاد، محمد بیاتی چالستری	:	عنوان و نام پدیدآور
تهران: آوشت، ۱۴۰۰ -	:	مشخصات نشر
۳۶۲ ص.	:	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۲۲-۹۷۶۳۳-۴-۶	:	شابک
فیبا	:	وضعیت فهرست نویسی
فرهنگ ماده تاریخ	:	عنوان دیگر
فارسی - واژه‌نامه‌های عددی	:	موضوع
ماده تاریخ	:	موضوع
نیک‌نژاد، علیرضا، گردآورنده	:	شناسه افزوده
بیاتی چالستری، محمد	:	شناسه افزوده
PIR ۲۹۸۱	:	رده بندی کنگره
۴ فا ۳	:	رده بندی دیویی
۸۴۵۷۸۶۶	:	شماره کتابشناسی ملی
فیبا	:	اطلاعات رکورد کتابشناسی

# بحر الفاظ

(فرسنگ ماده تاریخ)

---

تألیف

میرزا صادق ناطق اصفهانی

به کوشش

علیرضا نیک نژاد  
محمد بیاتی چالستری



---

بحر الفاظ (فرهنگ ماده تاریخ)

مؤلف	میرزا صادق ناطق اصفهانی
به کوشش	علیرضا نیک‌نژاد - محمد بیاتی چالستری
طراحی و تولید	نشر آوشت - مدیر مسئول: مریم کاشف‌نیا
طراح جلد	محسن فاتح‌پور
سال نشر	چاپ اول ۱۴۰۰
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
قیمت	۸۵۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۷۶۳۳-۴-۶
چاپ و صحافی	مشکی

مرکز پخش و تولید

تهران، خ انقلاب، خ فخر رازی، خ وحید نظری غربی، پ ۹۹، واحد ۸

۶۶۴۰۳۸۱۳؛ ۶۶۴۰۳۸۳۰

www.avasht.com @avashtbook 0910-0764142

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات آوشت محفوظ است.

---

یکان یکان شمر ابجد حروف تا حطی  
چنان که از کلمن، عشر عشر تا سعفص  
پس آنگه از قرشت تا ضظغ شمر صدصد  
دل از حساب جُمَل شد تمام مستخلص

ابونصر فراهی



## فهرست مطالب

۹.....	پیشگفتار
۱۰.....	حروف ابجد
۱۰.....	شیوه محاسبه حروف ابجد یا حساب جَمَل
۱۱.....	حروف ابجد و نقش اسامی خاص
۱۲.....	تاریخچه ماده تاریخ
۱۳.....	میرزا صادق اصفهانی نویسنده بحر الفاظ
۱۵.....	غرض از نگارش کتاب
۱۶.....	محتوای کتاب
۱۷.....	تاریخ آغاز و انجام تألیف کتاب
۱۸.....	معرفی نسخه بحر الفاظ
۲۰.....	ارزش کتاب و ضرورت تصحیح
۲۱.....	روش تصحیح
۲۵.....	دیباجه
۳۸.....	قصیده تمام تاریخ برای بنای مدرسه شاه
۴۳.....	واژه نامه





## پیکتار

ماده تاریخ شیوه و ابزاری برای ایجاد مرتب‌سازی و پیوند میان اعداد و حروف زبان عربی، در بیان زمان وقوع حوادث، در قالب الفاظ و کلمات فارسی و عربی است. به بیان دیگر، کلمه یا کلماتی معنی‌دار است که عمدتاً در قالب بیت، مصراع و یا عبارت می‌آید و به حساب جُمَل (ابجد) برابر با یک تاریخ مشخص و مورد نظر است و یا با تاریخ واقعه‌ای تطبیق پیدا می‌کند.<sup>۱</sup>

از طرف دیگر ماده تاریخ ذکر تاریخی است به شعر یا گاهی نثر در قطعه‌ای کوتاه برای واقعه‌های گوناگون اعم از جلوس یا فوت یا قتل پادشاهی یا مرگ و قتل امیر، وزیر، شاعر، حکیم و مانند آنها. معمولاً شعری که از این راه پدید می‌آید، قطعه‌ای کوتاه است که شاعر در یکی دو بیت آخر آن تاریخ مورد نیاز را ذکر می‌کند و بیت‌های پیش از آن را برای تمهید می‌آورد و معمولاً این مقدمه برای معرفی و بیان وجه اهمیت کسی یا واقعه‌ای گفته می‌شود که تاریخ آن ذکر گردیده است. اصطلاحاً تاریخ‌گویی به این نحو را ماده تاریخ‌سازی می‌گویند. فن ماده تاریخ از ظرایف شعرسرای است و اغلب آن را جزو صنایع مستظرفه دانسته‌اند.

---

۱. مانند شعر زیر که «قرب طاعت» معادل ۷۸۲ ق است:

بهاءالحق والدین طاب مشواه  
به طاعت قرب ایزد می‌توان یافت  
بدین دستور تساریخ و فساتش

امام سنت و شیخ جماعت  
قدم در نه گرت هست استطاعت  
برون آر از حروف «قرب طاعت»

## حروف ابجد

در ایران، خصوصاً بین شاعران ایرانی، نوعی عددنویسی به یاری حروف الفبا معمول است و به آن «حساب جمله‌ها» یا «حساب جُمَل» می‌گویند و بیشتر برای بیان تاریخ‌های مهم به کار می‌رود. تاریخ پیدایش «حساب ابجد» یا «حساب جمله‌ها» روشن نیست؛ ولی چنین به نظر می‌رسد که از سده‌های نخست هجری و به احتمال زیاد به وسیلهٔ ایرانیان درست شده است.

کلمهٔ «ابجد» اشاره به چهار حرف ابتدایی این حروف یا حساب دارد که از آن به جای اعداد استفاده می‌شده است. در واقع با استفاده از حروف ابجد به حروف ارزش عددی داده شده و بدین ترتیب از این حروف در مواردی چون ترتیب‌بندی، مادهٔ تاریخ، طالع‌بینی و علوم غریبه استفاده می‌شود.

در این شیوه به هر کدام از حروف یک ارزش عددی داده می‌شود. در واقع اعداد ۱ تا ۱۰۰۰ بین حروف ابجد در عربی به بیست‌وهشت حرف تقسیم شده است که به ترتیب عبارتند از: «الف، ب، ج، د، ه، و، ز، ح، ط، ی، ک، ل، م، ن، س، ع، ف، ص، ق، ر، ش، ت، ث، خ، ذ، ض، ظ، غ».

برای آسانی از بر کردن ترتیب این حروف، هرچند حرف پیاپی به شکل واژه درآمده و تلفظ می‌شوند. این واژه‌ها عبارتند از: «أَبْجَد - هَوَز - حُطَى - كَلَمَن - سَعْفَص - قَرَشَتْ - نَحْدُ - صَطْفَعُ» از الفبای ابجد برای متناظر کردن اعداد و واژه‌ها نیز استفاده می‌شود.

در حروف ابجد، چهار حرف فارسی (پ - چ - ژ - گ) وجود ندارد. لذا جهت این حروف از اعداد حروف ابجدی ۲ ب برای حرف پ و ۳ ج برای چ و ۷ ز برای حرف ژ و ۲ ک برای حرف گ استفاده نمایند.

## شیوهٔ محاسبهٔ حروف ابجد یا حساب جُمَل

نحوهٔ محاسبهٔ حساب جُمَل براساس جدول حروف ابجدی است که در ذیل می‌آید. برای محاسبهٔ حروف ابجد به عنوان مثال کلمهٔ «علی» دارای سه حرف است. حروف این نام را به ترتیب ذیل به طور جداگانه می‌نویسیم و عدد هر حرف را نیز در زیر یا در کنار آن می‌نویسیم. مادهٔ تاریخ آن عدد ۱۱۰ است: (۷۰ ع + ۳۰ ل + ۱۰ ی):

و نام فاطمه نیز به حساب جمل بدین گونه است: (۸۰ ف + ۱۱ ط + ۹ م + ۴۰ م + ۵ هـ): که جمع اعداد ۱۳۵ می‌شود.

در حساب جَمَل حروف مشدّد شمردن نمی‌شود، بجز در لفظ جلاله (الله). به عبارتی برای کلمه الله نیز به همان شکل نوشتاری آن «ل» دویار حساب شده، چون الف ۱، ل ۳۰، ل ۳۰ و هـ ۵ است و حساب «الله» ۶۶ می‌شود. به طور کلی کلمات به شکل مکتوب آنها عددگذاری می‌شوند، نه به آن شکل که خوانده می‌شوند. همچنین همزه (أ) و الف (ا) هر دو عدد ۱ حساب می‌شود و حروفی که در یک واژه دارای تشدید هستند، یک حرف محاسبه می‌شوند.

50	40	30	20	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ش	ر	ص	ق	ف	ع		
1000	900	800	700	600	500	400	300	200	100	90	80	70	60

### حروف ابجد و نقش اسامی خاص

در گذشته حتی برخی از اسامی، اشارات و محاسبات نجومی را به حساب جَمَل به کار می‌بردند. جرجی زیدان در آداب اللّغه می‌گوید: «کان اهل الحساب فی صدر الاسلام یستخدمون بحروف الهجا کما نستخدم الارقام الهندسیه»: یعنی: مسلمین برای هر حرف از حروف ابجد شماره‌ای قائل شده‌اند و حساب جمل را تشکیل داده‌اند.

تاریخ متحصّن شدن حسن صباح در قلعه الموت، همان «الموت» برابر «۴۷۷» است. از عجایب وقایع، ماجرای قتل «میرزا شاه حسین اصفهانی» وزیر شاه اسماعیل اول صفوی است که به سال ۹۲۹ق اتفاق افتاد و این رقم درست معادل حروف نام اوست. همچنین در تاریخ وفات «کمال الدّین اسمعیل اصفهانی» که توسط

عبدالحمید حقیقی نخجوانی استخراج شده، برابر حروف نام وی یعنی «۶۳۵» است. تاریخ وفات «آقارضی» قزوینی متخلص به سرور توسط میرزا حسن تأثیر تبریزی بدین ترتیب دریافت شده است:

پی تاریخ او گردید فکرم همان «آقارضی» تاریخ اول شد

### تاریخچه ماده تاریخ

در خصوص سابقه استفاده از این روش اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی در زمان‌های کهن نزدیک به اوایل پیدایش اسلام، بیان تاریخ به حساب ابجد یا حروف مقطعه معمول بوده است. بعدها حساب جمل در میان شعرای عربی، ترکی و پارسی جاری و متداول گردید و از سده پنجم شایع شد و گسترش یافت. بنا به قولی، ماده تاریخ پدیده‌ای است که از سده هفتم به بعد در ادبیات فارسی رایج شد. هرچند در عصر حاضر در حوزه ادبیات و تاریخ کمتر به این فنّ و روش توجه می‌شود، اما وجود متون تاریخی و ادبی در این زمینه، به خصوص فراوانی آثاری از نسخ خطی منتشرنشده در کتابخانه‌های مختلف در سراسر جهان که به نوعی به موضوع ماده تاریخ ارتباط دارند، گویای اهمیت این فنّ در نگارش متون تا قبل از سده اخیر است.

در دوره قاجار نیز به تناسب موضوعات ادبی و تاریخی افرادی بودند که سعی در زنده نگه داشتن این دانش در قالب‌های متن مستقل یا در لابه‌لای نوشته‌های خود داشتند. متونی که به خصوص در ارتباط با آموزش این فنّ تألیف شده است، بیش از دیگر آثار می‌تواند مورد استفاده و بهره‌برداری محققین باشد.

لازم به ذکر است مهم‌ترین آثار در این فنّ عبارتند از:

تاریخ راقم سمرقندی معروف به تاریخ کثیره، کتابخانه عینی سمرقند، تاجیکستان.

مواد التواریخ، حاج حسین نخجوانی، تبریز، اسلامیّه، ۱۳۴۳.

تحفه‌الدستور، نوشته لطف‌الله بن عبدالکریم کاشانی، تصحیح مهدی صدری،

میراث مکتوب، ۱۳۸۶.<sup>۱</sup>

۱. علاوه بر منابع ذکرشده، برای توغّل در این باب ر.ک: مقدمه مهدی صدری در کتاب حساب جمل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.

از جمله مهم‌ترین آثار در این زمینه، کتاب حاضر با عنوان بحر الفاظ، ریخته خامه میرزا صادق اصفهانی است که فرهنگ‌نامه‌ای در زمینه ماده تاریخ محسوب می‌شود.

### میرزا صادق اصفهانی نویسنده بحر الفاظ

میرزا صادق اصفهانی ملقب به ناطق اهل اصفهان بوده است. استفاده از برخی الفاظ و واژگان خاص مناطق مرکزی و جنوبی ایران نشان می‌دهد که مؤلف ارتباط تنگاتنگی با این مناطق و آشنایی بیشتری با واژگان محلی داشته است. هرچند در خصوص زندگی و فعالیت‌های علمی نویسنده اطلاع دقیقی در دست نیست و فقط در برخی از تراجم رجال و تذکره‌های نیمه دوم قاجار اشارات مختصری به او و اعتبار ادبی و نمونه‌هایی از اشعار او شده است. برای مثال در کتاب مجمع الفصحاء رضاقلی خان هدایت اطلاعات مختصری از او آمده است که بیشتر بر قدرت و استعداد او در ساخت ماده تاریخ اشاره شده و همچنین او را دارای تخصص در «فن تاریخ‌گویی»، در مفهوم فن ماده تاریخ دانسته است و بدون اشاره به وقایع دوران حیات او، تنها به تاریخ وفات او (۱۲۳۵ق) اشاره می‌کند. به دلیل تأکید هدایت بر قدرت ناطق اصفهانی در ساخت ماده تاریخ، نوشته‌های او را در کتاب هدایت را عیناً نقل می‌کنیم: «اسمش میرزا صادق و اسم و رسمش موافق از معاصرین است. در ایران گشتی و مدایح امیران نوشتی. او را در فن تاریخ‌گویی و عددجویی قدرتی عجیب و صنعتی غریب بوده و الحق در این فن گوی سبقت از اقران می‌ربوده، چنان که اکثر از قصایدش هر مصراع‌ی مفرداتی، آخر یک تاریخ بی‌زیاده و کم، سالی معین بودی و در تاریخ هر بنایی مکرر مکرر قصیده قصیده فریده مشتمل بر آیات عدیده به همین نهج تمام نمودی. از جمله قصیده در سال اتمام ایوان حضرت معصومه مرحومه همشیره علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء عرض کرده، مشتمل بر شصت و دو بیت که عبارت از یکصد و بیست و چهار مصراع خواهد بود. تمام مصراع تاریخ است. عجب آن که لفظ شصت و دو بیت هم همان تاریخ است. عجب‌تر این که یکصد و بیست و چهار مصراع را هم چون به حسب اعداد شمارند، همان تاریخ است. کتابی در این علم نوشته؛ در سنه ۱۲۳۵ رحلت نموده، اشعارش کمیاب است.»<sup>۱</sup> در

۱. هدایت، مجمع الفصحاء، ج ۲، بخش سوم، ص: ۱۶۰۹، هدایت همچنین به برخی اشعار او اشاره دارد. از جمله این

کتاب الذریعه إلى تصانیف الشیعه نیز تنها به طور مختصر به اهمیت و اعتبار تخصص او اشاره شده است: «له مهاره تامه فی التاریخ بالحروف و قد أَلَّفَ کتاباً فی هذا الفنَّ سَمَّاهُ بحر الألفاظ و هو کَدلیل لِلشُّعراء فی نظم التَّواریخ الحروفیه» و ذکر می کند که او بحر الفاظ را بین سال‌های ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۷ق تألیف کرده و به فتحعلی شاه اهدا نموده است. اما ناطق در واقع مداح محمدعلی میرزای دولت‌شاه بوده است.<sup>۱</sup> یکی از علل تقرّب او به دربار قاجار و به خصوص شخص فتحعلی شاه و اطرافیان او سیر و سلوک عرفانی او بوده است. به‌ویژه شیفتگی خاص او به مدح و ثنای امیرالمؤمنین که خود در بخشی از متن کتاب به آن اشاره دارد و تخلص خود به «ناطق» را از این بیت می‌داند:

به مداحیش طبع من گشته طابع	به وصافیش نطق من گشته ناطق
چو من در ثنایش کسی نیست قابل	چو من در ولایش کسی نیست صادق
من و مدح اویم مطلوب و طالب	من و وصف اویم معشوق و عاشق
کنم هرچه توصیف او هست لازم	دهم آنچه تعریف او هست لایق

در کتاب *بستان العشاق* نیز به او اشاراتی کوتاه رفته است و نمونه‌هایی از اشعار او ذکر شده است.<sup>۲</sup> از این رو، در منابع دوره قاجار تصویر دقیقی از زندگی و زمانه او و این که چه سفرهایی داشته است، اطلاعات دقیقی و روشنی ارائه نشده است.<sup>۳</sup> چنین به نظر می‌رسد که مؤلف مداح فتحعلی شاه قاجار نیز بوده است و در لابه‌لای

چند بیت به نقل از هدایت از اشعار او است:

نهی چو تاج تو بر سر به سر نهد گویی	ز آفتاب دگر آفتاب دیگر تاج
به باغ حسن نهال قد تو از کاکل	صنوبریست که دارد ز سنبل تر تاج
رسیده است به مهر افسرت مگر از مهر	به سر نهاده تو را شاه مهر افسر تاج
همچون همای همت آن شاه بر جهان	گسترده بال در همه جانب همای علم
این قبه راست جای به جایی که پایه‌اش	از اوج ماه و زحل برتر آمده
زهرآ عفاف فاطمه بنت موسی آنک	به روی شرف ز فاطمه و حیدر آمده
سلطان عهد فتح علی شاه آن کز او	بستان ملک و گلین جان را برآمده

۱. الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ج ۹، القسم الرابع، ص ۱۱۵۸.

۲. گلچین معانی، احمد، تاریخ تذکره‌های فارسی، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۹۴. همچنین ر. ک به سفینه‌المحمود، نسخه شماره ۴۳۰۶ کتابخانه ملک.

۳. رضاقلی خان هدایت، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، ج ۱، چاپ دوم، ۱۳۸۲، ص ۶۶۶.

ماده تاریخ‌ها و در متن توضیحات دیباچه و متن نهایی به این موضوع اشاراتی دارد. او در وصف فتحعلی‌شاه آورده است: «شهریار عادل دل‌ملک‌آرای، شهنشاہ‌سکندر دست‌گاه‌دارای، خدیو فریدون، فرهنگ‌خسرو، جمشیداورنگ، المؤید من السماء والمظفر من الأعداء، ملاذالقیاصی، معاذالأکاسره، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، السلطان فتحعلی‌شاه قاجار» و این اشاره بیان‌کننده یک موقعیت اجتماعی برای مؤلف در مقام مدیحه‌سرایی مقام شاهی است. همین اخبار اندکی که از وی باقی است، می‌رساند که دارای استعداد و قدرت بالای ذهنی در ساخت ماده تاریخ در قالب اشعار و قصاید بلند بوده است و تخلص «ناطق» تعیین‌کننده بخشی از فعالیت‌های اجتماعی یا ادبی او در میان کانون‌های حکومتی و انجمن‌های ادبی است. با این وجود، اثر او در تدوین فرهنگ و واژگان و اصطلاحات و عبارات مرتبط با ماده تاریخ به احتمال زیاد برگرفته از اشعار خود او و به‌ندرت برگرفته از آثار دیگر شاعران و یا نویسندگان باشد<sup>۱</sup> با همه این مسائل، نویسنده الذریعه، کتاب بحر الفاظ را راهنمای تاریخ‌نویسان و شاعران و ادیبان عصر خود دانسته است.<sup>۲</sup>

### غرض از نگارش کتاب

مؤلف در سبب تألیف کتاب می‌گوید: «مورخان و محاسبان که فارسان میدان نظم بوده‌اند، هیچ کدام در هیچ ایام، فرس فکر در وادی این قسم نساخته‌اند.» و این که: «اما بعد، مطلب کلی از چهره‌آرایی شاهد حُسنای این صفحه دلگشا و مقصد طی از پرده‌گشایی عذار عذرای این صحنه فرح‌افزا آن است که چون فُصحای سلف و بلغای خَلف در علم عروض و قافیه بسیار و تألیف بی‌شمار نگاشته و گذاشته‌اند، و لیکن در فن تاریخ که الحق ادق و بازار نظم را از آن رونق است همت نگاشته و علم در این علم نیفراشته، بلکه آن قدر قدرت نداشته‌اند؛ چون این فن فنی است صعب و دشوار و از برای آسانی ضوابط و قواعد در کار بود، لهذا احقر شعرا و افقر نظما، بنده واثق محمدصادق، المتخلص بالناطق با پریشانی حال و بی‌سامانی احوال در مقام جمعیت این الفاظ برآمد که مورخین را فی‌الجمله مشکل آسان گردد و هرگاه اراده

۱. بنگرید به مجمع‌الفصحاء.

۲. الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ج ۹، القسم الرابع، ص ۱۱۵۸.



نمایند که مصرع تاریخی را به نظم درآورند، هر لفظی که موافق العدد باشد، در مقامش استعمال نمایند و در جای مناسب به کار برند.»

او همچنین به یک نمونه دیگر از منابع مرتبط با ماده تاریخ اشاره دارد: «غریق بحر رحمت رحمانی، ابن عبدالکریم لطف الله کاشانی که بدین مطلب پرداخته و قلبیلی الفاظ متساوی الاعداد را جمع ساخته بود. حتی آن الفاظ را نیز در این رساله داخل نمود و مدت پنج سال غواص فکر دقیق در این بحر عمیق غوطه‌ور و غریق گردید تا کواکب الفاظ و لغاتی که در افلاک تفکر و بیان مانند بنات النعش متفرق و پریشان بودند.» به هر حال مقصود او بیان این نکته است که کاشانی در این زمینه کار چندانی نکرده است و به نوشته الذریعه، بحر الفاظ کامل‌تر و دقیق‌تر از اثر کاشانی است. از این رو، نیاز به تألیف اثری جامع در این زمینه مؤلف را به تألیف بحر الفاظ واداشته است. مؤلف به کتاب دیگری اشاره می‌کند که با عنوان **نسخة الاعداد** در سنه هزار و دویست و بیست و یک تألیف شده، «نسخة الاعداد» تاریخ تألیف آن است و «بحر الفاظ» تاریخ تألیف این کتاب.»

### محتوای کتاب

بحر الفاظ به تصریح مؤلف آن شامل دیباچه و ماده تاریخ و خاتمه کتاب است. مؤلف در دیباچه، این اثر را این گونه دسته‌بندی کرده است: «این رساله بحر الفاظ از عدد یک شروع شد و در عدد هزار و ششصد و هشتاد و سه ختم گردید.» ناگفته نماند که به علت توقف متن بر روی عدد ۱۶۸۳ اشاره‌ای نکرده است. اما آن‌طور که از متن بحر الفاظ برمی‌آید، تعداد واژگان یا ماده تاریخ‌های نگارش یافته بر اساس اعداد منتهی به ۱۶۸۳، حدود ۱۷۴۰۰ ماده تاریخ را شامل می‌شود که به صورت مسلسل از ۱ تا ۱۶۸۳ ادامه دارد. در متن نسخه ابتدا عدد ذکر شده و در ادامه هر عدد، فهرستی از ماده تاریخ‌های مرتبط آمده است. در بخش‌های نخست تا عدد ۶۰۰ معمولاً یک کلمه یک تا پنج حرفی و از ۸۰۰ به بعد، از تعداد ماده تاریخ‌ها کاسته شده و بیشتر جملات کوتاه و تعبیر و یا بخشی از آیات قرآنی به عنوان ماده تاریخ ذکر شده است. نویسنده آن‌طور که از بیان برخی ماده تاریخ‌های خاص برمی‌آید، فردی متعصب بوده و از این جهت برخی عبارات و اصطلاحات بیان‌کننده جهت فکری اوست که هم‌زمان زوایایی از فرهنگ جامعه عصر قاجار را نیز نشان می‌دهد. در عین حال، نواقصی در

جای‌جای کتاب نیز مشاهده می‌شود. برای نمونه اعداد ۵۱ تا ۵۶ در نسخه کنونی افتادگی دارد. همچنین کم‌توجهی مؤلف در ایجاد تعادل میان اعداد یکان و دهگان و صدگان و هزارگان در بخش‌های مختلف کتاب مشاهده می‌شود؛ از جمله، مؤلف بعضی از عددها را در بخش‌های نخست و میانی با شرح و بسط آورده و برای برخی اعداد تا ۵۰ ماده تاریخ ذکر کرده است. در مقابل، قسمت‌های دیگر به‌خصوص عددهای بالاتر از ۱۰۰۰ را به ایجاز و فقط مواردی اندک از عبارات خاص و بعضاً نامفهوم را به عنوان ماده تاریخ آورده است و در مواردی هم در ذیل یک عدد، تنها به دو مورد ماده تاریخ اکتفا کرده است.

### تاریخ آغاز و انجام تألیف کتاب

میرزا محمدصادق ناطق اصفهانی در دو جای کتاب به تاریخ تألیف کتاب اشاره می‌کند. ابتدا در دیباچه آمده است: «این رساله بحر الفاظ از عدد یک شروع شد و در عدد هزار و ششصد و هشتاد و سه ختم گردید.» ولی تاریخ اتمام آن را به انتهای کتاب موکول کرده است. او در ادامه ذکر می‌کند که این کتاب در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار تألیف شده است و از نوع عبارات به کار رفته در مدح شاه قاجار برمی‌آید که در سال‌های میانی عصر فتحعلی شاه تألیف شده است. همچنین گفته است: «نسخه‌الاعداد در سنه هزار و دو بیست و بیست و یک تألیف شده، «نسخه‌الاعداد» تاریخ تألیف آن است و «بحر الفاظ» تاریخ تألیف این.»  
قطعه تاریخ شروع کتاب چنین است:

### لمؤلفه

چو این الفاظ را کردم بهم جمع      ز هر لفظش شنفتم بحر الفاظ  
چو از الفاظ بحری بود موج      پی تاریخ گفتم «بحر الفاظ»

در بخش پایانی چنین ذکر کرده است: «تَمَّتِ الْكِتَابُ بِحُكْمِ قَادِرٍ وَهَابٍ، این قطعه به جهت تاریخ این کتاب گفته شد، در سنه ۱۲۲۷.» از این رو سال تألیف کتاب همان ۱۲۲۷ ق است. در خصوص زمان ثبت اثر نیز ذیل محل ثبت بحر الفاظ در

کتابخانه سلطنتی ذکر شده است: «بتاریخ شهر ربیع الأول ۱۲۳۲ هجری از عرض کتابخانه مبارکه شاهنشاهی روحی و روح العالمین فداه گذشت. مطابق ثبت کتابخانه کتابخانه مبارکه است. کتابخانه دولت علیّه ایران، نمره ۱۷۹۷.»

### معرفی نسخه بحر الفاظ

با وجود استقصاء و توغّل در منابع و فهرست‌ها تنها یک نسخه از این کتاب به دست آمد. این نسخه به شماره ۱۰۲۳۸ در کتابخانه ملی ایران، با عنوان «بحر الفاظ اثر محمدصادق متخلص به ناطق» محفوظ است و ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. این نسخه به خط نسخ و به صورت ۱۵ سطری به ابعاد ۸۵ در ۱۷۰ میلی‌متر در ۶۵ برگ روی کاغذ فرنگی آبی‌رنگ کتابت شده و در جلدی لاکه و سیاه‌رنگ، با تصاویری از ترنج و سرترنج زر و اندرون گل نرگس محافظت شده است.

آغاز نسخه مهر ناصرالدین‌شاه قاجار است: «هو الله تعالی شأنه العزیز، در مدح اعلیحضرت قدر قدرت ظلّ اللّهی عرض می‌شود، تا جهان خرم و گلستان است موسم عیش و گاه بستان است...» با کتیبه و جدول‌کشی مذهب و مرصع که بین سطور طلااندازی دندان‌موشی دارد و ناتمام است و ناقص. متن نسخه با ابیات زیر آغاز می‌شود:

«ای نام تو در جمله الفاظ عیان در جمله الفاظ ز نام تو نشان  
انوار تو چون صورت هر حرف پدید دیدار تو چون معنی هر لفظ نهان»

عنوان کتاب به قلم سرخ است: «کتاب بحر الفاظ»، که قبل از بسم‌الله الرحمن الرحیم نوشته شده است.

چند برگ از نسخه نور و تجلی اثر عبدالکریم ناصح، که به اشتباه در این کتاب صحافی شده و نوع خط و کتابت متفاوتی هم دارد، در این نسخه مشاهده می‌شود. این نسخه جزء موجودی کتابخانه سلطنتی قاجار بوده و در پیشانی برگ نخست آن مهر با سجع «ناصرالدین‌شاه شاهان مهر در» دیده می‌شود. در صفحه آخر نیز برحسب کتابخانه دولت علیّه ایران با نمره ۱۷۹۷ و امضای «موسی مرآت‌الممالک» مشهود است. همچنین یادداشت «بحر الفاظ به تاریخ شهر ربیع الأول ۱۲۳۲ از عرض کتابخانه مبارکه شاهنشاه روحی و روح العالمین فداه گذشت» و در زیر آن مهر خشتی با سجع

«أليس الله بكاف عبده. عبدالوهاب الموسوي» و مهر بیضوی با سجع «مشیرالسلطنه» به این مضمون: «ملاحظه شد به تاریخ ۱۳۲۲»، «حسین بن هدایت‌الله»، «رضا الحسینی» و یادداشت «مطابق ثبت کتابچه کتابخانه مبارکه است، ۱۲۸۲» دیده می‌شود.

متن کتاب با قطعه شعری در توحید و نعت پیامبر گرامی اسلام (ﷺ) و یک قطعه از مؤلف در مدح علی بن ابی طالب (علیه السلام) آغاز می‌شود و سپس علت تألیف کتاب خویش را چنین بیان می‌کند: «... چون فصحای سلف و بلغای خلف در علم عروض و قافیه تصنیف بسیار و تألیف بی‌شمار نگاشته و گذاشته‌اند و لیکن در فن تاریخ که الحق ادق و بازار نظم را از آن رونق است، همت نگاشته و علم در این علم نیفراشته، بلکه آنقدر قدرت نداشته‌اند. چون این فن، فتی است صعب و دشوار و از برای آسانی ضوابط و قواعد در کار بود، لهذا احقر شعرا و افقر نظما بنده و ائق محمداصدق، المتخلص بالتائق با پریشانی حال و بی‌سامانی احوال در مقام جمعیت این الفاظ برآمد.»

مؤلف مخاطب این اثر را مورخینی می‌داند که می‌خواهند که مصرعی تاریخی را به نظم آورند و لفظی موافق عدد استعمال و در جای مناسب به کار بندند. او فقط ابن عبدالکریم لطف‌الله کاشانی را کسی دانسته که در این فن به تألیف پرداخته و می‌نویسد پنج سال در الفاظ و لغات دقت داشته تا آن را نگاشته است و آن را «بحر الفاظ» نامیده است که بر اساس ماده تاریخ آن (۱۲۲۲ق) شروع این کتاب را به دست داده است.

در ادامه، وی این رساله را از عدد یک تا هزار و ششصد و هشتادوسه ادامه داده و آن را به فتحعلی شاه قاجار تقدیم کرده است و یک قطعه بلند مدح نیز برای او سروده است. مؤلف، کتاب دیگری با عنوان «نسخة الاعداد» دارد که قصیده معجزیه خود را در مدح حضرت معصومه (علیها السلام) و قصاید محتشم را در سال ۱۲۲۱ق در این کتاب جمع نموده است.

مؤلف حروف و کلمات را در یک سطر با مرکب مشکی و اعداد را در زیر آن با مرکب سرخ نوشته است. البته این زیرنویس فقط تا عدد ۵۳۵ ادامه دارد و بعد از آن فقط حروف و کلمات نوشته شده است.

همچنین قطعه‌ای بسیار قوی را در نگارش ماده تاریخ از فتحعلی خان صبا

ملک الشعرا در اتمام ساخت مدرسه‌ای در قم، به دستور فتحعلی شاه آورده است. به دنبال آن، قصیده معجزیه را که تاریخ آن ۱۲۱۸ق است، آورده که سروده مؤلف است و همچنین در پی آن ماده تاریخ تمام مضارع به تاریخ ۱۲۲۳ را ذکر کرده که مربوط به ساخت مدرسه‌ای در کاشان است.

عدد ۱۲۲۷ هم در ساخت مدرسه‌ای در ملک اردلان (کردستان) و همچنین برای عمارت شاهزاده محمدتقی میرزا قطعه‌ای با ماده تاریخ ۱۲۲۷ و ۱۲۲۸ سروده است. نهایتاً تألیف این نسخه در ۱۲۲۷ به اتمام رسیده و مؤلف چنین نوشته است:

<p>ناطق از بحر جمیع این الفاظ پنج سال از برای تألیفش آنقدر در حساب کردم فکر آخراً امر طبع عالی مرا دست قدرت به آستین کرم از نسیم عنایست ازلی از یسم فکرتم به ساحل نطق کس نداند مگر کسی داند هر که گوید بدی به این نسخه شد چو تألیف بهر تاریخش</p>	<p>که بود هر یکی دُری ناشفت صبح و شام نه خورد بود و نه خفت که حواس مرا حساب آشفست گشت توفیق حق تعالی جفت از دلم کرد نامرادی رُفت باغ جان را گل مراد شکفت این گرانمایه گوهر آمد مفت که چنین گوهری تواند سفت دهنش را به مشت باید گفت «بحر الفاظ» عقل گفت نهفت</p>
---	---

برگ آخر این نسخه افتادگی دارد و در سال ۱۲۲۷ق تألیف و کتابت آن به اتمام رسیده است.

### ارزش کتاب و ضرورت تصحیح

این کتاب به عنوان فرهنگ و لغتنامه‌ای در ماده تاریخ می‌تواند راهگشای محققان در تحقیق و پژوهش تاریخ عصر قاجار، فهرست‌نگاران و محققین حوزه ادبیات باشد. در عین حال، منبعی جهت آموزش روش و چگونگی ساخت ماده تاریخ نیز محسوب می‌شود. مؤلف خود در بیان ارزش کتاب آورده است که شاعران و مورخان: «هرگاه اراده نمایند که مصرع تاریخی را به نظم درآورند، هر لفظی که موافق‌العدد باشد، در مقامش استعمال نمایند و در جای مناسب به کار برند» و «فصحای سلف و بلغای

خَلْف در علم عروض و قافیه بسیار و تألیف بی شمار نگاشته و گذاشته‌اند و لیکن در فن تاریخ که الحق اَدَق و بازار نظم را از آن رونق است همت نگاشته و عِلْم در این علم نیراشته، بلکه آن قدر قدرت نداشته‌اند، چون این فن، فنی است صعب و دشوار و از برای آسانی ضوابط و قواعد در کار بود، لهذا احقر شعرا و افقر نظماً بنده و ائق محمداً صادق، المتخلص بالناطق با پریشانی حال و بی سامانی احوال در مقام جمعیت این الفاظ برآمد که مورخین را فی الجمله مشکل آسان گردد.»

### روش تصحیح

از نظر محتوایی متن کتاب را بدون هیچ گونه دخل و تصرفی و همان گونه که در نسخه بود، آوردیم. اما از نظر شکل ظاهر، تغییر اساسی که در متن صورت گرفت، این است که روش دسته‌بندی مطالب در متن نسخه براساس شمارگان اعداد از ۱ تا ۱۶۸۳ بود که حدود ۳۰ هزار ماده تاریخ را شامل می‌بود. این تعداد زیاد از ماده تاریخ‌ها طبق متن اصلی کتاب شامل فهرستی ممتد از واژگان بود که هرچند حجم کتاب بسیار کمتر از یک فرهنگنامه بود، اما جویندگان را در مطالعه کتاب با مشکل مواجه کرده و قطعاً زنجیره‌ای از کلمات بی‌مسما و گیج‌کننده به نظر می‌رسید که در همان صفحات نخست موجب خستگی و ملال خاطر می‌شد. از این رو در روند تصحیح کتاب، تصمیم بر این شد که فهرستی متفاوت از کلمات و عبارات بر اساس حروف الفبا تدوین شود که ضمن قرار گرفتن متن کتاب در یک قالب و چارچوب منطقی و قابل فهم، متن اثر در یک اسلوب خاص فرهنگ‌نامه‌های مشابه قرار گیرد که از این بابت با هدف اصلی مؤلف در تدوین این اثر مطابقت داشته باشد. در عین حال، بعضی از کلمات مانند "ک" و "گ" و "ب" و "پ" را بر اساس رسم الخط امروزی حروفچینی کردیم، ولی با این توصیف برای جلوگیری از توقف خواننده در پانوشته بدان اشاره نشد. بعضی از موارد سجاوندی نیز به کتاب اضافه گردید. همچنین بعضی مطالب افزودنی به قیاس را در داخل دو قلاب آوردیم.

در پایان از مساعدت‌ها و همراهی‌های دکتر سلمان قاسمیان استادیار گروه تاریخ دانشگاه قزوین سپاسگزاریم.